

سیر شکل‌گیری مدارس زنان در دورهٔ مشروطه (با تأکید بر مطالبات اجتماعی زنان)

هما زنجانی‌زاده^۱

علی باغدار دلگشا^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی سیر ایجاد مدارس زنان، در قالب ایجاد دبستان‌های نسوان در دورهٔ مشروطه و در فاصلهٔ زمانی سال‌های ۱۳۲۴/ق تا ۱۳۳۰/ق تا ۱۲۹۱/ش است. بررسی این موضوع نه تنها از جهت رخداد آن در دورهٔ زمانی مشروطه به عنوان نخستین دورهٔ تجربه‌های مدرنیزه شدن آموزش و پرورش در ایران، بلکه به لحاظ ایجاد مدارس دخترانه، نقش‌نامه‌نگاری‌های زنان در مطبوعات این دوره در رابطه با مسئلهٔ حق تحصیل زنان و طرح آن به صورت مطالبه‌های اجتماعی اهمیت دارد. در این دوره همچنین، حضور فعال اجتماعی زنان برای نخستین بار به شکل شبه‌صنفی آغاز شده است و زنان به مطرح کردن درخواست‌های اجتماعی خود پرداخته‌اند که در این بین ایجاد مدارس برای دختران اصلی‌ترین مطالبهٔ اجتماعی زنان ایرانی بوده است. این پژوهش که به روش اسنادی با تکنیک تحلیل محتوا گردآوری شده است، به ثمر رسیدن تلاش اجتماعی و احقاق حقوق اجتماعی زنان را نشان می‌دهد. تلاشی که با گذشت کمتر از یک دهه از طرح آن در مطبوعات عصر مشروطه، منجر به ایجاد مدارس دخترانه در شهرهای متفاوت ایران گردید که بر آن اساس، دختران نیز مانند پسران از حق آموزش و پرورش برخوردار شدند.

واژگان کلیدی: مطالبات اجتماعی، زنان ایرانی، مشروطه، مدارس دختران، دبستان.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی/ دانشگاه فردوسی مشهد zandjani@ferdowsi.um.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ/ دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده مسئول/ ali.b.delgosha@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۵/۲۵

مقدمه

جامعه ایران در عصر قاجار وارد مرحله جدیدی از تغییر و تحول ساختار سیاسی اجتماعی گردید که با دوران قبل از آن تفاوت چشمگیری داشت؛ از جمله در زمینه حضور اجتماعی زنان در عرصه اجتماع و فرهنگ این تحول قابل ذکر است. بررسی‌های اجتماعی نشان می‌دهد که زنان در مسائل سیاسی اجتماعی این عصر حضوری فعال داشته‌اند. تا پیش از قاجار و در طول حاکمیت این سلسله مراکز آموزشی در چهارچوب مکتب‌خانه‌ها - مکان‌هایی که در قالب سنتی، به راه خود ادامه می‌دادند - محدود می‌شد و محتوای آموزشی آنها در طول چند قرن دگرگون نشده بود. در دوره مشروطیت اولین سنگ بنای آموزش و پرورش به سبک جدید گذاشته شد. در جامعه بسته و مرد سالار ایران آن روز طبیعتاً آموزش و پرورش جدید بایستی فقط سهم مردان می‌بود، اما زنان با توجه به فرصت‌های محدودی که در این زمان برای آنها فراهم آمده بود با اقدامات مناسب خود و با حضور مستقیم و غیرمستقیم در زمینه احقاق حقوق و طرح مطالبات جامعه‌شناختی خود در قالب ایجاد مدارس نسوان، تلاش‌های زیادی را آغاز کردند. در این دوره زنان ایرانی به شیوه‌های خلاق دست به تأسیس و اداره مدارس دخترانه زدند و حتی در راه تأسیس مدارس دخترانه با مخالفت‌های جدی از جانب جناح سنتی جامعه مواجه شدند. مخالفان تأسیس مدارس دخترانه نه تنها به انتقادهای لفظی بسنده نمی‌کردند، بلکه مخالفت خود را در عمل نیز به ابراز کردند و زنان در این راه با چالش‌هایی مواجه شدند، لذا در این مقاله تلاش بر این است تا نقش مطالبات جامعه‌شناختی زنان را در تشکیل مدارس جدید و آموزش دختران در عصر مشروطه، به عنوان نخستین دوره‌ای که از نظر قانونی به زنان، حق تحصیل داده می‌شود بررسی کنیم.

علت انتخاب این مقطع زمانی اهمیت حضور زنان برای نخستین بار در قالبی رسمی و تا حدودی شبه صنفی در فعالیت‌های اجتماعی ایران است. دوره‌ای که حضور مسیونرهای

مسیحی در کنار نفوذ فرهنگ غربی زمینه را برای طرح نظریه جدید حق تحصیل و آموزش زنان و دختران ایرانی فراهم کرد. در این بین سؤال‌هایی را که می‌توان مطرح نمود عبارت‌اند از: نخستین مدارس دخترانه در ایران در چه دوره‌ای شکل گرفته‌اند؟ چه کسانی در ایجاد انگیزه در نسوان ایرانی برای ایجاد مدارس دخترانه مهم‌ترین نقش را داشته‌اند؟ آیا می‌توان اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی زنان در مطبوعات دوره مشروطه را مسئله آموزش و پرورش دختران دانست؟ و اگر پاسخ مثبت است، زنان تا چه مقدار به این هدف خودشان رسیده‌اند؟

این پژوهش به روش اسنادی و با استفاده از دو تکنیک تحلیل محتوا و بافت موقعیت کلمات، مطالبات اجتماعی زنان را در خصوص ایجاد مدارس نسوان واکاوی کرده است. در تکنیک بافت موقعیت کلمات نیز میزان تکرار کلمات مهم و موضوع‌های شاخص در نامه‌نگاری‌های زنان بررسی شده است. این پژوهش قصد دارد به ارائه تحلیلی از درخواست‌های زنان ایرانی و بررسی نوع مطالبات جامعه‌شناختی آنان در عرصه طرح مسئله حق تحصیل زنان در ایران بپردازد. میزان تلاش زنان در تأکید بر مطالبات اجتماعی نسوان ایرانی در عصر مشروطه را می‌توان در نامه‌نگاری‌های آنان در مطبوعات این دوره جست‌وجو کرد. در نامه‌نگاری‌های زنان مواردی چون تلاش برای ایجاد مدارس نسوان و سوادآموزی برای دختران، حضور فعالانه در عرصه‌های اقتصادی و حرکت‌هایی ملی چون ایجاد بانک ملی و مبارزه با ورود منسوجات خارجی نیز دیده می‌شود که اصلی‌ترین مطالبه، مسئله حق آموزش برای دختران است.

در بررسی اقدامات مطالبات جامعه‌شناختی زنان، تأکید این پژوهش بر روی مطالبه ایجاد مدارس دخترانه در دوره مشروطه است. در این دوره، بیشتر نامه‌های مندرج در مطبوعات، توسط زنان، نشان از نوعی خیزش فمینیستی (بینشی که خواهان برابری حقوق

اجتماعی برای زنان در جامعه است) در راستای مطرح کردن مطالبات اجتماعی زنان در قالب ایجاد مدارس نسوان است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهشی این کار نیز شامل برخی آثار می‌شود که به نقش و ایجاد مدارس در دوره قاجار می‌پردازند. این آثار معمولاً بر مدرسه دارالفنون متمرکزند یا با تأکید بر دوره پهلوی اول، در تلاش‌اند، این دو دوره را با یکدیگر مقایسه کنند. منبع ذیل را از منابع پیشینه این پژوهش می‌توان نام برد.

کتاب اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی از سهیلا ترابی فارسانی. بخش بسیار کمی از این کتاب به ایجاد مدارس دختران در دوره مشروطه اختصاص دارد و بیشتر توجه خود را در دوره پهلوی قرار داده است.

جایگاه جامعه‌شناسی زنان*

بهترین منابع برای بررسی جایگاه اجتماعی زنان در دوره مشروطه عبارت‌اند از: مطبوعات به عنوان اجتماعی‌ترین و پرمخاطب‌ترین منابع این دوره. بر اساس این منابع زنان در باورهای سنتی عصر قاجار از کمترین جایگاه مطلوب اجتماعی برخوردار بوده‌اند. زنان در ادبیات سنتی ایران نیز جایگاهی درخور توجه نداشته‌اند. عرصه ادبیات نیز همگی در اختیار مردان بوده است (Millani, 1999:405) این امر به صورتی است که حقارت زن در ادبیات سنتی، مترادف با سکون و سکوت زنان بوده است.

نگاه منفی ادبیات سنتی به زن، در مطبوعات دوره مشروطه هم انعکاس داشته و مطرح می‌شد. «پیشینیان شعرا قدرت طبع خود را در پست کردن قدر زن و طعن و نکوهش به آن جنس صرف کرده و سرمایه عظیمی از ظلالت عامه انباشته [...] در این فقره شکی

نیست» (کاوه، غره ربیع‌الثانی ۱۳۳۹: ۲-۱). صامت بودن جنس زن را در ادبیات ملل دیگر نیز می‌توان یافت. اما نتیجه تلاش اجتماعی زنان، بازگرداندن زنان به تاریخ و در دست گرفتن تاریخ اجتماعی زنان به دست آنان بوده است.

نگرش منفی نسبت به زن، نه‌تنها در ایران که در دیگر کشورها هم وجود داشت. در مجموع، این ادبیات‌ها و ادبیات جهانی، یک رویکرد مطلق مردسالار وجود داشت که موضوع آن، تنها مرد و فعالیت‌های او بود (Zinsser, 1993: 3-5). زنان همه جا نادیده گرفته می‌شدند. با توجه به این نوع نگرش و نگارش، که همه علیه زنان بود، آنچه نقش طبیعی زنان نامیده می‌شد، درحقیقت ساخته‌ای فرهنگی برای بیان برتری مرد و فرودستی زن بود (Offen, 1991: 1-2).

در ایران عصر قاجار نیز زنان همان جایگاهی را برخوردار بودند که در دوران‌های قبلی در آن قرار داشتند. در ایران نیز مانند غرب، زنانی که در تاریخ روایت شده‌اند، مادران، دختران، همسران، خواهران و معشوقه‌های مردان مشهور بوده‌اند. اقدام‌های همسر سید کاظم رشتی، آغاییگم دختر شیخ هادی نجم‌آبادی، دره‌المعالی، محترم اسکندری و همسر ملک‌المتکلمین، نشانه‌هایی از تلاش زنان در عصر مشروطه است، اما سایه نگرش مردسالارانه نیز در آن غیرقابل انکار است.

در مطبوعات این دوره، چهره‌ای از زن معرفی می‌شود که با باورهای اجتماعی تناسب دارد. در جامعه عصر قاجار زنان به غیر از ماه رمضان مجاز به آمدوشد در خیابان‌ها بعد از غروب آفتاب نبودند (زاینده‌رود، ۲۳ شوال ۱۳۲۸: ۳)، امری که برای زنان محدودیت حضور اجتماعی را به همراه داشت. در مقاله‌ای با عنوان «تحصیل دختران» مطرح می‌شود زنان در جامعه ایران عصر قاجار مانند «یک سنگ جنبنده» هستند (شمس، ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۹: ۶)، یعنی فضای اجتماعی را اشغال کرده‌اند اما هیچ‌گونه حقی در انجام فعالیت اجتماعی ندارند. در هفته‌نامه *حبل‌المتین* در مقاله‌ای با عنوان «زن در ایران»، زنان ایرانی

«مصدق لفظ ضعیفه» معرفی می‌شوند و وجود باورهای مردسالار در جامعه به عنوان عامل جدایی زنان از اجتماع معرفی می‌گردد (هفته‌نامه حبل‌المتین، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳: ۱۷). در خصوص فرودست بودن زنان نیز مطبوعات انگلیسی مانند روزنامه تایمز در گزارش ۲۸ اوت ۱۹۱۱ خود به بررسی جایگاه اجتماعی زنان ایران از منظر مردان ایرانی پرداخت و به نقل از یکی از نمایندگان مجلس دوم - شیخ اسدالله - این جمله را نگاشت که در ایران «زن‌ها جنس ضعیف هستند» (آفاری، ۱۳۷۱: ۲۶). این تعاریف و بسیاری از موارد دیگر در مطبوعات عصر مشروطه به عنوان گویاترین منبع اطلاع‌رسانی باورهای اجتماعی، زنان از جایگاهی نامناسب برخوردارند.

در بررسی «احوال زنان» و وضعیت جامعه‌شناختی آنان، بر اساس نسخه‌های خطی دوره قاجار باید اشاره داشت، نگارندگان این رساله‌ها با تأثیرپذیری از رویکر و نظام پدرسالار و نگرش تاریخ‌مذکر، به نکوهش زنان پرداخته‌اند. در باور اجتماعی جامعه ایران، «جنس زن»، مسئول «هر خون به ناحق شدن و ظاهر و پنهان شدن هر چه خرابی به همه ملک جهان» است (اصفهانی، بی‌تا: ۱۴۰). براساس نگرش حاکم بر این نگارش‌ها، اصلی‌ترین وظیفه زنان، «اطاعت» مطلق از شوهر است. «اگر شوهر زن را بخواند، باید اجابت کند و اگر زن تغافل کند که یک بار دیگر بگوید، هفتاد نماز فریضه از او بیفتد» (بی‌نام، ۱۲۵۸ق: ۶۰-۱۵۹). دعای زن در صورتی قبول است که «شوهر» را دعا کند (همان: ۱۶۰). ارزش اجتماعی زن، به خشبو بودن «گردن» و «پرگوشت» بودن «فوزک پا»ی اوست، حسن او نیز نه در سواد و دانشش که در «مو»های بلند و پوست «سفید»ش است (بی‌نام، ۱۲۶۵ق: ۱۸۰). او باید «ذلیل» و «اسیر» شوهر باشد (همان: ۳-۱۸۱) و برای مردان نیز «اطاعت ایشان نهایت جهل» دانسته شده است؛ زیرا زنان «خفیف‌العقل» اند و «عقل ایشان ناقص» است (همان: ۱۸۲). در میان رساله‌های دوره قاجار، به کار رفتن واژه

«انقلاب حالتی» (حسین بن محمد صادق، ۱۳۹۷ق: ۲۱۲) نیز وجود دارد که مردان را مجاز می‌داند در صورت «مطیع» نبودن زنان، خشم خود را با ضرب و شتم آنان نشان دهند.

زنان و مسئله سوادآموزی

با این حال، در ایران عصر مشروطه نیز بیشترین تلاش زنان، برای به دست آوردن حقوق اجتماعی‌شان بود. زنان در نامه‌هایی که برای مطبوعات می‌فرستادند، شیوه نگارش خاصی را اتخاذ می‌کردند. آنها نامه‌های خود را به نثری ساده و نزدیک به زبان گفتاری می‌نگاشتند و بارها از مخاطب دوم شخص، که مخاطب عموماً مردان بودند، استفاده می‌کردند (نجم-آبادی، ۱۳۷۴: ۹۴). یکی از زنان عصر قاجار در توصیف محدودیت سوادآموزی برای زنان اشاره دارد که پس از آن که اندکی از دختران توانستند وارد مکتب‌خانه شوند، بعد از چند سال تحصیل «پدران عزیزمان با کمال تغیر کتاب و قلم را از دستمان گرفته، پاره کرده و شکسته و به دور می‌انداختند که چه معنی دارد دختر خط داشته باشد» (تمدن، ۷ ربیع الاول ۱۳۲۵: ۴).

در دوره مشروطه، سبک جدید طنزنویسی و روزنامه‌نگاری ایجاد شد. گروهی به انتقاد از شرایط طبقاتی و تبعیض جنسی در جامعه پرداختند (Afary, 1996: 3) و گروهی از زنان نیز گویش جنسیتیِ زنانه را که می‌توان همان سبک زنانه نامید در نامه‌نگاری‌ها و نگارش‌های خود به کار برده‌اند. سبک زنانه در معنی سخن گفتن از مشکلات و حالات و افکار زنان که عبارت است از بیان حالات و عواطفی که تنها زنان دارند و مردان فاقد آن هستند.

با آغاز خیزش مشروطه‌خواهی، زنان به درج نامه‌نگاری در مطبوعات مشروطه پرداخته و طرح مطالبات اجتماعی خود را مطرح نمودند. در این طرح مطالبات اجتماعی، حق تحصیل زنان و اجازه ایجاد مدارس نسوان، اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی زنان در دوره

مشروطه است. نمونه‌های این مطالبات اجتماعی و مسئله حق تحصیل برای زنان، در نامه‌های متعدد زنان ایرانی در نامه‌های آنان به مجلس شورای ملی قابل مشاهده است (Bayat, 1978: 295-306). این مدعا بر اساس نامه‌نگاری‌های زنان در مطبوعات دوره مشروطه در جداول ذیل قابل مشاهده است.

«لایحه یکی از خواتین» از بی‌بی خانم وزیرف

حبل‌المتین، ۲۲ رجب ۱۳۲۵: ۶-۴

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
«طلب العلم» «مدرسه»	مردان ایرانی	مرد	فضل‌الله نوری	«حبل‌المتین»

«عریضه یکی از بانوان با علم»

(حکمت، ۱۵ صفر ۱۳۲۵: ۸-۹)

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
حق «علم» اندوزی زنان و تشکیل «هیئت اجتماعی» [انجمن] توسط زنان	«زن‌های فرهنگی»	مردان	جامعه ایرانی	«حکمت» منشر در مصر

«لایحه تبریک است که از سرکار خانم مدیره محترمه دوشیزگان وطن رسیده»

(شکوفه، ذی‌قعدة ۱۳۳۰: ۱-۳)

نام روزنامه	مخاطب نامه		گروه مورد مقایسه	مطالبه اجتماعی
	مخاطب	جنسیت		
«شکوفه»	«عموم اهالی ایران»	زنان و مردان	«مملکت انگلستان» و «دولت فرانسه»	«تربیت عمومی [،] تعلیمات بنین و بنات»، اهمیت نقش تربیت زنان به دلیل وجود نقش مادری، ایجاد انگیزه در مدیران مدارس نسوان برای گسترش و ایجاد مدارس دیگر

«تربیت نسوان در ژاپون»

(شکوفه، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲: ۳)

نام روزنامه	مخاطب نامه		گروه مورد مقایسه	مطالبه اجتماعی
	مخاطب	جنسیت		
«شکوفه»	«خانم‌های ایرانی»	زنان	«زنان ژاپونی»	«تقلید از زنان ژاپونی» در تحصیل دختران

مهرتاج رخشان نیز از دیگر زنانی است که با درج نامه‌نگاری در مطبوعات زنان در تلاش ایجاد مدارس نسوان در رشت است.

«نامه [از] طهران»

(زبان زنان، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸: ۴)

مطالبه اجتماعی	مورد	گروه مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
			جنسیت	مخاطب	
ایجاد «مدارس نسوان» در رشت		ندارد	زنان	«زنان و دختران ایرانی»	«زبان زنان»

در نامه‌ای از تهران برای درج در روزنامه زبان زنان، نگارنده نامه «شهناز آزاد»^۴، به مسئله بی‌سوادی زنان انتقاد می‌کند و خطاب به مردان اشاره دارد اگر مردی با سواد باشد و زن او بی‌سواد به این معنی است که «نیم‌تنه کسی بیکار باشد» (زبان زنان، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۸: ۱). در این نامه به مسئله «پارسی» نویسی توجه زیاد شده است و این نامه نخستین نامه زنان در مطبوعات مشروطه است که نگارنده آن، در انتهای نامه بخشی با عنوان «لغات نامه» دارد که معادل لغات فارسی به کاررفته در متن خود را توضیح می‌دهد.

«نامه از تهران»

(زبان زنان، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۸: ۱-۲)

مطالبه اجتماعی	گروه مورد مقایسه	مخاطب نامه		نام روزنامه
		جنسیت	مخاطب	
برابری اجتماعی و اهمیت تحصیل برای زنان	«مادران دانا با مادران نادان»	زنان و مردان	مردم	«زبان زنان»

در خطابه‌ای که یکی از معلمان «مدرسه مخدرات» در زمان امتحان قرائت کرده، اشاره داشته است «ای خواتین [...] از شهد علم بنوشید [...]» امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید (لیس الجمال باثواب تزینها بل الجمال جمال العلم و الادب) « (ایران‌نو، ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۷: ۲-۳).

در «نطق معارف پرورانه» از «خادمه وطن رئیس مدرسه عالی» در جلسه امتحان، مدیر مدرسه، با استفاده از توجیه دینی در قالب آیات قرآن مانند «لا یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» و روایاتی چون «اطلبو العلم و لو بالصین»، «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه»، «فضل العالم علی الجاهل کفضلی علی ادنی منکم» و «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» از پیامبر اسلام (ایران‌نو، ۶ محرم ۱۳۲۸: ۴) در تلاش است تا مشروعیتی دینی برای علم‌اندوزی زنان ایجاد کند. این نامه حدود ۱۰ درصد از حجم کل یک شماره از روزنامه را به خود اختصاص داده است و کلمات کلیدی و میزان تکرار آنان نیز به شرح ذیل است:

کلمات کلیدی و میزان تکرار در نامه «نطق معارف پرورانه»

واژه	میزان تکرار
علم / تعلیم / تربیت / معارف	۲۸ مرتبه
زنان / خواهران / خواتین / نسوان / بنات	۱۷ مرتبه
ضمیم اتحاد زنان «ما»	۹ مرتبه
ژاپونی‌ها	۹ مرتبه
موطن / وطن	۸ مرتبه
تمدن / ترقی	۷ مرتبه

مشروطه و تأسیس مدارس نسوان

به دلایل مختلف سیاسی، اجتماعی و عوامل محدودیت‌زا، آموزش سواد به زنان در دوران قاجار چندان رایج نبود. تنها محل آموزش و تحصیل، مکتب‌خانه‌ها بودند که دختران سهم ناچیزی از آن داشتند. مکتب‌خانه‌ها یا مختلط بودند یا جدا. بنابر این، بیشتر دختران پس از طی دوره کوتاهی در سطح خواندن متوسط و نوشتن با توانایی (بسیار اندک) مراتب بالاتر را طی نمی‌کردند و خانه‌نشین می‌شدند (مستوفی، ۱۳۴۳، ۱: ۷۱۱). تنها دختران برخی خانواده‌های مرفه، آن هم به شرط موافقت پدرانشان می‌توانستند به کمک معلمان سرخانه تاحدودی به تحصیلات خود ادامه دهند (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۹۰).

مسئله آموزش در زمان قاجاریه با اقدامات امیرکبیر و تأسیس دارالفنون و اعزام محصل به خارج، شکل جدی‌تری به خود گرفت. اگرچه آموزش در این دوران، هنوز مختص پسران بود، ولی عمومی‌تر شد و تا حدودی فضای فکری جامعه را تغییر داد. مدارس، به سبک اروپایی، عامل دیگری در دگرگونی فضای جامعه سنتی ایران بود. در دوران سلطنت ناصرالدین شاه از آن پس، هیئت‌های فرانسوی، آمریکایی در زمینه سیاسی، تجاری، فرهنگی و مذهبی در ایران به فعالیت پرداختند. در زمینه فرهنگی و مذهبی، هیئت‌های مذهبی اروپایی به شکل فعالی حضور داشتند. نخستین اقدام این هیئت‌ها تأسیس مدارس جدید بود و دختران مسلمان در این مدارس راهی نداشتند. مهم‌ترین عامل این عدم حضور، ایجاد محدودیت از سوی خانواده‌ها برای آموزش دختران بود. برای اولین بار با وساطت بنجامین — وزیرمختار آمریکا — و موافقت ناصرالدین شاه با حضور دختران مسلمان در مدارس رفع شد و اولین گروه دختران مسلمان وارد مدرسه فرانکو پرسیان تهران شدند. مدرسه سن ژوزف از دیگر مدارس بود که به دست فرانسویان تأسیس شد و اطفال خارجی در آن به تحصیل پرداختند. مدرسه خواهران سن

ونسان دوپل مدرسه دیگری بود که در آن، خیاطی، خانه‌داری، زبان فرانسه، تاریخ و جغرافیا تدریس می‌شد (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۱۱۹).

در بیستم ژانویه ۱۹۰۷ در ضمن برگزاری یک گردهمایی بزرگ در تهران، زنان قطعنامه‌ای را که شامل دو بند بود، تصویب کردند. بند اول بر تأسیس مدارس زنانه تأکید داشت و بند دوم خواستار حذف جهیزیه سنگین برای دختران بود و چنین استدلال می‌کرد که بهتر است پولی که صرف تدارک جهیزیه می‌شود، در راه آموزش دختران هزینه شود (Yaukacheva, 1959: 75). ظاهراً حتی قبل از به پیروزی رسیدن مشروطیت میرزا حسن رشديه و طوبی رشديه مدارس دخترانه‌ای تأسیس کرده بودند، چنان که مدرسه دخترانه‌ای را که میرزا حسن رشديه قبل از مشروطیت تأسیس کرد با مخالفت شدید روبه‌رو و تعطیل شد. مخالفت با مدرسه دخترانه زیر لوای مباحثی از قبیل نامنی و شرایط خاص اجتماعی ایران صورت گرفت.

تلاش دیگری را طوبی رشديه در سال ۱۳۲۱ ه. ق برای تأسیس مدرسه دخترانه صورت داد که با برخورد مأموران دولتی منحل شد. همچنین در سال ۱۳۲۴ ه. ق در این رابطه، بی‌بی خانم وزیرف به وزارت معارف شکایت نمود؛ اما در جواب به او گفته شد که صلاح در این است مدرسه تعطیل شود. مدتی بعد از به توپ بستن مجلس تقاضای بی‌بی خانم برای تأسیس مدرسه پذیرفته شد، مشروط بر اینکه فقط دختران ۴ تا ۶ سال در مدرسه تحصیل نمایند و کلمه دوشیزه نیز از تابلوی مدرسه حذف شود. در زمان جنبش مشروطه، زنانی که از این مدارس فارغ التحصیل می‌شدند، خود به تأسیس مدارس دخترانه دیگری اقدام می‌کردند.

پس از پیروزی انقلاب مشروطه، در خصوص تأسیس کردن یا نکردن مدارس جدید، در مجلس اختلاف نظر وجود داشت. مشروطه‌خواهان و نمایندگان مجلس اول در خصوص مدارس جدید به سه دسته تقسیم شدند. دسته اول بر این عقیده بودند که دختران

علاوه بر یادگیری، خواندن و نوشتن، بایستی مطالبی همچون تربیت اطفال و خانه‌داری و حفظ مراتب ناموس و شرف و بعضی از علوم مقدماتی که به اخلاق معاش و معاشرت با خانواده مربوط است، یاد بگیرند. در امور خاصه رجال از قبیل علوم پلیتیکی و امور سیاسی فعلاً مداخله‌شان اقتضا ندارد. دسته دوم از مشروطه خواهان که بیشتر آن‌ها از منورالفکران حزب دموکرات «فرقه اجتماعیون عامیون» بودند، معتقد بودند که نه تنها نباید برای آموزش دختران محدودیتی قائل شد، بلکه باید تمهیدی اندیشید تا تعلیم آنها اجباری باشد و در شهرها و دهکده‌ها باید مدارس جدید تأسیس شود و مکتب خانه‌های قدیم بسته شود. دسته سوم از مشروطه‌خواهان با تأسیس مدارس دخترانه به سبک جدید مخالف بودند و همان مکتب‌خانه‌ها را برای آموزش دختران کافی می‌دانستند. برخی از زنان برای متقاعد کردن دسته اول و سوم مشروطه‌خواهان با نوشتن مقالات متعدد و نگاشتن نامه‌های مکرر به مجلس، آنان را متقاعد کردند تا در تأسیس مدارس جدید با آنان همکاری کنند و در این مسیر به آیات قرآن در تمجید علم و حدیث رسول اکرم «طلب العلم فریضه کل مسلم و مسلمه» تمسک می‌کردند. نمونه این امر در خطابه‌گویی دختران در مدارس قابل مشاهده است (ایران‌نو، ۲۲ شعبان ۱۳۲۷: ۲).

همچنین از مجموع ۴۶ نامه موجود از زنان در شمارگان متفاوت روزنامه ایران‌نو، ۲۳ نامه یا ۵۰ درصد نامه‌ها، اختصاص به مسئله حق تحصیل زنان دارد، اموری که نشان از توجه زنان به مسئله آموزش و طرح آن در قالب مطالبات جامعه‌شناختی است. زنان پیشگام و تلاشگر در امر حقوق زنان هرگز عقب نشینی نکرده و جسورانه به مبارزات خود در جهت اعتلای حقوق هموعشان ممارست ورزیدند. عصمت تهرانی که با نام مستعار طایره، مقالات جالب توجهی می‌نوشت، سعی داشت مردان را به فضیلت‌های همسران و مادران تحصیل کرده متقاعد سازد. وی نوشت که کلید پیشرفت ملت ترقی زنان است؛ زیرا زنان

درس خوانده می‌توانند شهروندانی منورالفکر پرورش دهند و ملت را نیرومندتر کنند (ایران‌نو، ۲۷ شعبان ۱۳۲۷، ۲؛ همان، ۱۸ رمضان ۱۳۲۷؛ ۴؛ همان، ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ : ۲).

شکل‌گیری مدارس نسوان

نام تلاشگر	سال	نام مدرسه
طوبی رشدیه	۱۳۲۱ق/۱۲۸۲ش	موقف به ایجاد مدرسه نشد
بی‌بی خانم وزیرف	۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش	«دبستان دوشیزگان»
طوبی آزموده	۱۳۲۵ق/۱۲۸۶ش	«دبستان ناموس»
صفیه یزدی	۱۳۲۸ق/۱۲۸۹ش	«مدرسه عفتیه»
ماهرخ گوهرشناس	۱۳۲۹ق/۱۲۹۰ش	«مدرسه دخترانه ترقی»

در این نامه‌نگاری‌ها، زنان پس از پرداختن به اهمیت نقش مدارس نسوان و پرداختن به اهمیت تحصیل برای پسران و دختران، پا را فراتر گذاشته و عنوان می‌داشتند «مدارس اناث را از مدارس ذکور اثر و اهمیت بیش است؛ زیرا این مدارس مادرانی تربیت می‌کند که در دامان آنها مردان غیرتمند و وطن‌پرست پرورش خواهد یافت» (ایران‌نو، ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۷: ۳). در این مطالبه اجتماعی نیز حتی نامه‌هایی از شهرهایی مانند گیلان هم وجود دارد که اصلی‌ترین درخواست خود را «حق تربیت دختران» در گیلان مطرح می‌کنند (ایران‌نو، ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ : ۲)، امری که میزان آشنایی زنان طبقات بالای جامعه در ایجاد انگیزه در زنان برای درخواست ایجاد مدارس نسوان نقشی اساسی داشته است.

بر اساس نامه‌های مندرج در روزنامه ایران‌نو که شامل خطابه‌گویی‌های دختران دانش‌آموز است، در سال‌های پس از مشروطه، مدارس دختران در حال گسترش بوده‌اند. «نطق معارف پرورانه» در دبستان دختران (ایران‌نو، ۶ محرم ۱۳۲۸: ۴)، «امتحان ثانوی مدرسه ام‌المدارس» (ایران‌نو، ۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸: ۲)، «امتحان مکتب عصمتیه» (ایران‌نو، ۶

جمادی‌الثانی ۱۳۲۸: ۲) و بسیار خطابه‌های دیگر در مدارس نسوان، نشان از ایجاد مدارس دختران دارد. همچنین کاهش نامه‌نگاری‌های زنان و طرح مطالبات اجتماعی در رابطه با حق تحصیل زنان نیز در سال ۱۳۲۸ق و ۱۳۲۹ق، نسبت به سال ۱۳۲۷ق، به شدت در این روزنامه کاهش یافته است که خود نشانی دیگر از به نتیجه رسیدن مطالبات اجتماعی زنان در رابطه با ایجاد مدارس دخترانه است. در سال ۱۳۳۱ق نیز در فهرستی که از مدارس دخترانه تهران در روزنامه شکوفه، منتشر شد، تعداد مدارس دختران در تهران، ۶۳ مدرسه و تعداد دختران در حال تحصیل، ۲۴۷۴ نفر معرفی گردید (آفاری، ۱۳۷۷: ۲۰)، امری که خود نشانی دیگر از گسترش تعداد مدارس دختران در دوره مشروطه است.

نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت اجتماعی زنان در سیر بررسی‌های جامعه‌شناسی تاریخی و نگرش تاریخ از پایین قرار می‌گیرد. در این بررسی، از دوره مشروطه نیز به عنوان نخستین دوره‌ای می‌توان نام برد که طرح مطالبات عمومی به ویژه طرح مطالبات اجتماعی زنان در آن به شیوه نامه‌نگاری و درج آن در مطبوعات به عنوان اصلی‌ترین منبع اطلاع‌رسانی صورت پذیرفته است. بررسی وضعیت اجتماعی زنان در دوره مشروطه و پرداختن به مطالبات اجتماعی زنان در این دوره به دلیل حضور زنان برای نخستین بار در عرصه‌های اجتماعی و ارائه مطالبات اجتماعی جنس زن برای اول بار در سیر تاریخ اجتماعی جامعه ایران حائز اهمیت است.

طرح مطالبات اجتماعی زنان در دوره مشروطه نیز در قالب طرح و مطالبه‌هایی، چون ایجاد مدارس نسوان و حق برابری اجتماعی با مردان، مطرح شده است. زنان در این برابری اجتماعی با استفاده از پیشینه‌های دینی مانند فاطمه و خدیجه، همسر و دختر پیامبر اسلام و زینب دختر علی ابن ابیطالب و برخی آیات قرآن که دلالت بر برابری اجتماعی

مردان و زنان داشته است، البته به صورت گزینشی، در تلاش بودند تا برابری مرد و زن را از دیدگاه اسلام نشان دهند. آنان در طرح مطالبه حق تحصیل به کرار از حدیث منسوب به پیامبر اسلام مبنی بر «طلب العلم فریضه علی کا مسلم و مسلمة» استفاده می‌نمود، به طوری که حدیث مذکور پر تکرارترین حدیث مطرح شده توسط زنان در تمام مطبوعات دوره مشروطه است. مطالبه‌ای که اگر آغاز طرح آن را در سال ۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش با تأسیس مدرسه دوشیزگان توسط بی‌بی خانم وزیرف بدانیم، با گذشت کمتر از یک دهه تلاش، می‌توان آن را مطالبه‌ای به نتیجه رسیده دانست. همچنین کاهش شدید نامه‌نگاری‌های زنان در سال دوم و سال سوم انتشار روزنامه ایران نو در رابطه با مسئله حق تحصیل نسوان در کنار گزارش‌های متعدد روزنامه‌های شکوفه و ایران نو از ایجاد مدارس نسوان، نشانی دیگر از به نتیجه رسیدن اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی نسوان ایرانی در دوره مشروطه است.

نکته اساسی در رابطه با طرح اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی زنان در قالب ایجاد مدارس نسوان، توجه به انگیزه اصلی زنان و تأثیر برخی رخدادهای خارجی بر این امر می‌باشد. هرچند زنان به نامه‌نگاری در مطبوعات این دوره به طرح مسئله ایجاد مدارس نسوان و اهمیت تربیت دختران اشاره داشتند، اما در حقیقت هدف آنان از این امر، ابتدا اعلام موجودیت جنس زنان و مشروعیت بخشیدن به جایگاه اجتماعی زنان به عنوان نیمه دیگر جامعه بوده است. نکته انتقادی در این امر توجه زنان به اهمیت تحصیل تنها برای دخترانی است که در آینده دارای نقش مادری هستند، امری که پس از مشروطه نیز زنان را تنها در قالب نقش مادری و مام وطن مطرح می‌سازد و مجدد جنس زن را در انقبادی دیگر قرار می‌دهد.

در رابطه با نقش رخدادهای خارجی در کنار توجه شاخص به پیشینه داخلی و دینی باید اشاره داشت، شباهت مطالبات اجتماعی زنانی چون مری ولستون گرافت در انقلاب ۱۷۸۹ میلادی در فرانسه در رابطه با اهمیت حق تحصیل برای زنان و اقدامات زنان ژاپنی

در ایجاد مدارس زنان، در ایجاد انگیزه در میان زنان ایرانی و روشنفکران زن به عنوان نخستین مطرح‌کنندگان مسئله حق تحصیل زنان، نقشی مهم داشته است.

پی‌نوشت

* این بخش از مقاله، از پایان‌نامه در حال تکمیل با عنوان «بررسی مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات دوره مشروطه» به تحقیق نگارنده، علی باغدار دلگشا و به راهنمایی دکتر هما زنجانی‌زاده و دکتر عباس سرافرازی اخذ شده است.

منابع

۱. آفاری، ژانت (۱۳۷۱). «تأملی در تفکر اجتماعی - سیاسی زنان در انقلاب مشروطه». نیمه دیگر، شماره ۱۷، ۲۸-۷.
۲. ----- (۱۳۷۷). *انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه*، ترجمه جواد یوسفیان، تهران: نشر بانو.
۳. اصفهانی، آقامحمدطاهر (بی تا). *در مذمت زنان*، نسخه خطی در کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی، شماره بازیابی: ۱۲۸۷/۲۳، در کراچی، روح انگیز. (۱۳۹۰). هشت رساله در بیان احوال زنان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. بی نام (۱۲۵۸ق). *در بیان تأدیب زنان و ارشاد اولاد ذکور*. نسخه خطی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره بازیابی: ۳/۳۹۷۰، در کراچی، روح انگیز. (۱۳۹۰). هشت رساله در بیان احوال زنان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. بی نام. (۱۲۶۵ق). *در بیان احوال زنان*. نسخه خطی در کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی، شماره بازیابی: ۱۰۴۳/۵، در کراچی، روح انگیز. (۱۳۹۰). هشت رساله در بیان احوال زنان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۶. حسین‌بن محمدصادق (۱۲۹۷ق). *مناقب النساء*. نسخه خطی در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، شماره بازیابی: ۱۹۸۷/۲، در کراچی، روح انگیز (۱۳۹۰). هشت رساله در بیان احوال زنان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. تاج‌السلطنه (۱۳۷۱). *خاطرات تاج‌السلطنه*. به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: نشر تاریخ ایران.
۸. دیولافوا، ژان (۱۳۳۲). *سفرنامه دیولافوا*، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران: خیام.
۹. مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی، اداری دوره قاجاریه*. جلد اول، تهران: زوار.
۱۰. نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۷۴). «دگرگونی زن و مرد در زبان مشروطیت». نیمه دیگر، دوره دوم، شماره ۲، ۱۰۵-۷۲.
11. Afary, Janet (1996). *Iranian Constitutional Revolution 1906-1911: Grassroots Democracy, Social Democracy and Origins of Feminism*. New York: Columbia University Press.
12. Millaini, Farzaneh (1999). "Gender Relations in Persis". *Encyclopaedia Iranica*, Vol. 10, Fasc4, 405-411.
13. Offen, Karen; Ruth Roach Pierson (1991). *Writing Women History: International Perspectives*. Bloomington: Indiana University Press.
14. Yaukacheva, M. (1959). "The Feminist Movement in Persia". *Central Asian Review*, Vol. 7, No1, 74-83.

مطبوعات

- ایران نو. ۲۲ شعبان ۱۳۲۷ق، سال ۱، شماره ۱۳، «خطابه یکی از شاگردان دبستان ناموس در مجلس امتحان».
- ایران نو. ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ق، سال ۱، شماره ۱۷، «مکتوب یکی از خانم‌های ایرانی».

- ایران نو. ۱۸ رمضان ۱۳۲۷ق، سال ۱، شماره ۳۴، «مکتوب یکی از خانم‌های ایرانی».
- ایران نو. ۱۶ ذیقعه ۱۳۲۷ق، سال ۱، شماره ۷۸، «مکتوب خانم دانشمند».
- ایران نو. ۱۷ ذیقعه ۱۳۲۷ق، سال ۱، شماره ۷۹، «امتحان دبستان هنر».
- ایران نو. ۱۸ ذیقعه ۱۳۲۷ق، سال ۱، شماره ۸۰، «تربیت دختران».
- ایران نو. ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۷ق، سال ۱، شماره ۱۰۱، «مدرسه مخدرات».
- ایران نو. ۶ محرم ۱۳۲۸ق، سال ۱، شماره ۱۱۴، «نطق معارف پرورانه».
- ایران نو. ۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ق، سال ۱، شماره ۲۲۸، «امتحان ثانوی مدرسه ام‌المدراس».
- ایران نو. ۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ق، سال ۱، شماره ۲۳۰، «امتحان مکتب عصمتیه».
- تمدن. ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق، سال ۱، شماره ۱۲، «مکتوب یکی از مخدرات».
- حبل‌المتین (هفته‌نامه). ۲۲ رجب ۱۳۲۵ق، سال ۱، شماره ۱۰۵، «لایحه یکی از خواتین».
- حبل‌المتین (هفته‌نامه). ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳ق، سال ۲۳، شماره ۲، «زن در ایران».
- حکمت. ۱۵ صفر ۱۳۲۵ق، سال ۱۵، شماره ۸۸۲، «عریضه یکی از بانوان با علم».
- زاینده رود. ۲۳ شوال ۱۳۲۸ق، سال ۲، شماره ۳۶.
- زبان زنان. ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۸، سال ۱، شماره ۱۱، «خواهران بیدار شوید».
- زبان زنان. ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۸، سال ۱، شماره ۱۵، «نامه از تهران».
- شکوفه. ذیقعه ۱۳۳۰ق، سال ۱، شماره ۳، «لایحه تبریک است که از سرکار خانم مدیره محترمه دوشیزگان وطن رسیده».
- شکوفه. ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ق، سال ۲، شماره ۹، «تربیت نسوان در ژاپون».
- شمس. ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ق، سال ۳، شماره ۱۷، «تحصیل دختران».
- کاوه. غره ربیع‌الثانی ۱۳۳۹ق، سال ۵، شماره ۱۲، «فَلَجِ شِقْیِ پستی حالت اجتماعی زنان».